



راهکارهای هنجارسازی سازگاری میان زوجین

رقیه انصاری چشمه

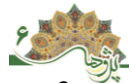
چکیده

خانواده رکن اساسی و منشاء رشد و بالندگی هر جامعه است و تداوم آن در گرو رابطه مثبت میان اعضا به ویژه همسران است. از جمله عوامل مهم استحکام و بقای خانواده وجود سازگاری میان زوجین است. سازگاری عبارت است از «وجود تعامل مثبت در انسان، در جهت ایجاد تغییرات مطلوب و رسیدن به تفاهم». رسیدن به این امر نیازمند رعایت اندیشه‌ها و رفتارهایی در عمل است که از آن به هنجار یاد می‌شود. بر این اساس هدف پژوهش حاضر تبیین راهکارهایی در جهت ایجاد و سازگاری میان زوجین است. در این اثر بنا بر روش توصیف و تحلیل اسنادی و تتبع در متون دینی و روان‌شناسی این یافته‌ها حاصل شد که ایجاد سازگاری از راه شناخت تفاوت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی زوجین، توجه به نقش‌های جنسیتی، دینداری، مثبت‌اندیشی زوجین و اخلاق‌مداری امکان‌پذیر است.

واژگان کلیدی: هنجار، سازگاری، تفاهم، جنسیت، زوجین.

مقدمه

نهاد خانواده را می‌توان اصیل‌ترین نهاد بشری دانست که با وجود فراز و نشیب‌های فراوان در طول تاریخ هم‌چنان اصالت خود را حفظ نموده است. دلیل بقای خانواده در طول قرون متمادی ریشه‌های فطری آن است. هرچند نباید کنش متقابل زن و مرد بر مبنای عنصر استخدام و زوجیت، با زمینه‌های محبت و عاطفه را از نظر دور دانست. هم‌چنین ثبات و استحکام خانواده را می‌توان در گرو توجه به ویژگی‌های طبیعی در کنار تربیت اخلاقی دانست. نتیجه این امر به تحکیم روابط درونی خانواده منجر خواهد شد. با این رویکرد می‌توان مؤلفه اصلی در وصول به این هدف را همراهی زوجین دانست امری که در متون دینی از آن به باب سازگاری یاد می‌شود. به طور کلی سازگاری عبارت است از "هماهنگی فرد با دیگران در برقراری رابطه‌ای منطقی برای اهداف فردی و اجتماعی؛ در واقع این اصطلاح اغلب با توجه به معیارها و ارزش‌های اجتماعی یا فرهنگی به کار می‌رود. (خدایاری‌فرد، ۱۳۹۵، ص ۱۳). در حوزه روابط زناشویی سازگاری اهمیت بیش‌تری می‌یابد چرا که خانواده برای رسیدن به اهداف و کارکردهای خویش نیازمند تفاهم زوجین است. بنابراین باید راهکارهایی در جهت هنجارسازی همراهی میان زوجین ارائه نمود. منظور از هنجارسازی ایجاد زمینه در جهت ایجاد رفتارهای مناسب است. در واقع رفتار بهنجار به حالت



طبیعی و متعادل که معمولاً مطابق معیارهای مشخص و مورد قبول باشد، اطلاق می‌شود. (فرمehنی فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۴۰۳) اهمیت هنجارسازی در حوزه روابط خانوادگی با توجه به ارتباط گسترده و عمیق زوجین بیش‌تر است چرا که تعاملات رفتاری درست میان آنها به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر اجتماع تأثیر می‌گذارد. از این رو ضرورت دارد تا با ارایه راهکارهای هنجارسازی به ایجاد و تقویت سازگاری میان زوجین پرداخت. بر این اساس پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که راهکارهای ایجاد سازگاری میان زوجین چیست؟ در ادامه عناوین دیگری نیز پی‌گیری می‌شود که عبارت‌اند از: ابعاد سازگاری زوجین و انواع تعارضات میان زن و شوهر.

شیوه و روش پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی متون دینی و روان‌شناسی در حوزه روابط خانوادگی میان زوجین است. تأکید بر متون روایی در این زمینه و ارایه مؤیداتی از روان‌شناسانی که به طور تجربی درمان‌گری نموده‌اند، روش این پژوهش است، هرچند در بخش ارایه راهکارهای هنجارسازی بر مبنای نظری مسأله که شامل تفاوت‌های تکوینی زن و مرد است نیز تأکید شده است؛ در زمینه راهکارهای ایجاد سازگاری میان زوجین تاکنون کتب و مقالات متعددی نگاشته شده است؛ از جمله آثار تألیفی در این زمینه می‌توان به «راز سازگاری در زندگی زناشویی» نوشته هارلی ویلارد اف، «مهارت‌های زناشویی» اثر متیو مک و «مهارت‌های سازگاری» اثر علی حسین‌زاده اشاره نمود.



در زمینه مقالات نیز به موضوع سازگاری زوجین به شکل مستقیم یا ضمن مباحث دیگر پرداخته شده است. به عنوان نمونه جوادی و همکاران به تأثیر مهارت‌های ارتباطی و تعاملات عاطفی در بستر ارزش‌های دینی در جهت رضامندی زوجین پرداخته‌اند. مسرت میزان اثرپذیری سازگاری زناشویی از باورهای غیرمنطقی را بررسی کرده است، معین و دیگران به رابطه سخت‌گیری روان‌شناختی با سازگاری زناشویی اشاره کرده‌اند. سالاری‌فر در مقاله خشونت خانگی موانع سازگاری زوجین را در سه دسته علل فردی، بین فردی و اجتماعی بررسی کرده است. هراتیان و همکاران نیز به بررسی رابطه پابندی مذهبی و تعارض زناشویی و تفاوت‌های آن پرداخته‌اند. پژوهش حاضر در ادامه پژوهش‌های گذشته درصدد بیان برخی راهکارهای هنجارسازی و ایجاد سازگاری میان زوجین با نگاه تطبیقی به متون دینی و روان‌شناسی است.

مفهوم‌شناسی

هنجار

هنجار در لغت به معنای راه، روش، قاعده، قانون و طرز است. (عمید، ۱۳۶۲، ص ۱۹۷۹) واژه هنجار (norm) هم‌چنین به معنای معیار، میزان و مقیاس نیز به کار می‌رود. (داورپناه، ۱۳۷۹، ص ۲۶) اصطلاح هنجار در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی کاربرد دارد. از نظر جامعه‌شناسی هنجار دلالت بر معیار مشترکی بین اعضای گروه دارد که



انتظار می‌رود اعضا خود را با آن هماهنگ کنند. هم‌چنین به رفتار، نگرش، عقیده یا ادراک گروه اجتماعی اطلاق می‌شود. (جولیوس گولد، ۱۳۷۶، ص ۹۱۸) هنجار هم‌چنین به مجموعه‌ای از قواعد ارزش‌ها و رفتارهای قابل قبول که اعضای یک گروه اجتماعی با آن هم‌نوایی می‌کنند گفته می‌شود. از منظر روان‌شناسی اجتماعی نیز به حالت طبیعی و متعادل که معمولاً مطابق معیارهای مشخص و معین و مورد قبول باشد رفتار بهنجار اطلاق می‌شود. (فرمینی‌فراهانی، ۱۳۷۸، ص ۴۰۳) از منظری دیگر هنجارها اندیشه‌هایی هستند درباره رفتارهایی که برای اعضای گروهی خاص، رفتار صحیح تلقی می‌شوند. واژه هنجار با نقش (roles) در ارتباط است زیرا نوع خاصی هنجار وجود دارد که مشخص می‌کند شخصی که در یک سیستم اجتماعی موقعیت خاصی دارد (مثلاً پدر در خانواده) باید چگونه رفتار کند؟ (تری یاندریس، ۱۳۸۸، ص ۱۶۷) میان هنجار و ارزش نیز رابطه وجود دارد که در روان‌شناسی از آن به مطلوب یا ارزش یاد می‌شود. به طور کلی ارزش‌ها اندیشه‌هایی درباره بهترین موقعیت ممکن هستند و در واقع اصولی هستند که زندگی ما را هدایت می‌کنند. (همان، ص ۱۸۱). از این رو هنجارسازی را می‌توان ارزشی کردن یک امر مطلوب و سپس درونی نمودن آن در عرصه تعاملات اجتماعی و درون‌فردی دانست.

هرچند واژه هنجار امروزه کاربرد فراوان در علوم اجتماعی و روان‌شناسی دارد؛ اما آنچه از این مفهوم در این پژوهش مراد است ناظر به بعد اخلاقی و ارزشی این واژه است. بنابراین هنجار از این



منظر ناظر به بایدها و ارزش‌ها می‌باشد و هنجارسازی به معنای درونی کردن ارزش‌ها است.

سازگاری

سازگاری در لغت به معنای توافق، موافقت و هماهنگی است. (عمید، ۱۳۶۲، ص ۱۱۴۵) سازگاری در اصل رابطه‌ای است که هر موجود زنده با محیط خود برقرار می‌کند وقتی رابطه مذکور غیرانطباقی است ناسازگاری وجود دارد. به طور کلی این اصطلاح اغلب با توجه به معیارها و ارزش‌های اجتماعی یا فرهنگی به کار می‌رود. (خدایاری‌فرد، ۱۳۹۵، ص ۱۳). از نظر روان‌شناسی نیز سازگاری به فرآیندی دلالت دارد که از طرفین آن یک ارگانسیم یا فرد، رابطه‌ای هماهنگ یا متعادل، با محیط برقرار می‌کند؛ سازگاری هم‌چنین به شرایط دستیابی به چنین رابطه‌ای نیز دلالت دارد. (جولیوس گولد، ۱۳۷۶، ص ۴۹۳) در حوزه روابط خانوادگی سازگاری یعنی هر یک از افراد خانواده به ویژه زن و شوهر این آمادگی را داشته باشند که در برخی زمینه‌ها خود را تغییر دهند و از برخی خواسته‌های خود برای تأمین خواسته‌های طرف مقابل صرف‌نظر کنند. (اسماعیل‌بیگی و غلامرضایی، ۱۳۸۹، ص ۹۱۳). از مفاهیم همسو با سازگاری واژه مدارا می‌باشد که به معنای نرمی و ملاطفت کردن و با حسن خلق با کسی رفتار نمودن است. (عمید، ۱۳۶۲، ص ۱۷۷۹) در کتب اخلاقی و منابع روایی در زمینه سازگاری تأکیدات فراوانی وارد شده است. (کلینی، ج ۴، ص ۴۴۹) در واقع سازگاری یکی از لوازم زندگی است و بدون آن



روابط انسان‌ها سست می‌شود و لذت و آرامش کاهش می‌یابد هم‌چنین اصل خویش‌داری یکی از اصول زندگی اجتماعی است. روحیه انعطاف و انقیاد در روابط درون‌فردی سبب تعمیق پیوندهای عاطفی و جلب قلوب و رأفت می‌گردد. به سبب اهمیت این اصل در مناسبات بین فردی و اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در روایات برای آن ترسیم شده است به گونه‌ای که پیامبر اکرم (ص) هدف از بعثت خود را بر محور مدارا تبیین نموده است. (بعثت بمداراة الناس)

ابعاد سازگاری زوجین

خانواده یک سازمان اجتماعی است که روابط میان اعضای آن مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده این سازمان است. نوع روابطی که میان اعضای هر خانواده حاکم است فضایی ایجاد می‌کند که در آن عواطف، احساسات، افکار و رفتارها رشد نموده و بر خانواده تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر روابط رفتارها را می‌سازد و رفتارها متقابلاً روابط را شکل می‌دهند. از این رو برای درک درست ساختار و فرایند حاکم بر خانواده از یک سو باید روابط میان اعضا تحلیل شود و از سوی دیگر رفتارهای اعضا مورد بررسی قرار گیرد. توجه به رفتار اعضای خانواده بدون توجه به روابط موجود در فضای خانوادگی شناختی غیرواقعی ایجاد می‌کند همان‌گونه که توجه به رابطه بدون توجه به رفتارهای اعضا موجب سوء برداشت در خانواده می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۴، ص ۹۵) از آن‌جا که خانواده جایگاه شکل‌گیری و رشد شخصیت اعضا است بنابراین لزوم توجه به تربیت اخلاقی وجود دارد. رسول خدا ﷺ در



زمینه تأثیر خانواده به ویژه پدر بر فرزندان می‌فرماید: «الولد سرّ أبیه»
 فرزند راز والدین است. شخصیت سالم در خانواده‌ای محقق می‌شود که
 اصول تربیتی صحیح بر آن حاکم باشد و جهت‌گیری والدین در تربیت
 همسو و بر اساس تعهد و مسئولیت‌پذیری باشد. این مسأله در روابط
 زوجین ممکن است کمی متفاوت باشد زیرا آنان برای کامل کردن
 شخصیت هم نیازمند جبران خلأهای روحی، عاطفی و شخصیتی
 یکدیگرند. همین مسأله ضرورت سازگاری در خانواده را روشن
 می‌نماید. در واقع سازگاری نوعی انعطاف در تعاملات انسانی است؛
 هرچند سازگاری بیش‌تر ناظر به روابط بین فردی می‌باشد ولی می‌توان
 آن را به ابعاد درونی انسان با خود و رابطه با پروردگار نیز تعمیم داد.
 تلطیف رابطه انسان با خویشتن و برجسته‌سازی شخصیت معنوی و
 احساسی در مقابل بعد حیوانی انسان نوعی سازگاری با من واقعی او
 می‌باشد. هم‌چنین داشتن رابطه معنوی و عارفانه انسان با پروردگار
 خویش و محو شدن در وجود هستی‌بخش و تقویت رابطه درونی با
 خداوند نوعی از سازگاری می‌باشد. از آن‌جا که در این پژوهش ابعاد
 سازگاری ناظر به رابطه انسان با انسان است و به رابطه انسان با خویش
 و پروردگار نگاه چندانی ندارد لذا باید ابعاد سازگاری در این دو زمینه
 را در مباحث انسان‌شناسی و خداشناسی جست‌وجو کرد؛ هرچند از
 نظر بینش توحیدی اصلاح رابطه انسان با خویش و با خداوند مقدمه
 اصلاح رابطه انسان با انسان است. امروزه روان‌شناسی رفتار را به دو
 نوع هنجار و ناهنجار طبقه‌بندی می‌کند. این طبقه‌بندی محدود به ابعاد

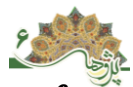


مادی زندگی انسان است اما اسلام محدوده وسیع تری را بیان می‌نماید و مفاهیم اخلاقی و اعتقادی را نیز وارد این عرصه نموده است. بنابراین ملاک‌هایی که روان‌شناسان برای رفتار بهنجار و نابهنجار بیان کرده‌اند هرچند هر یک دارای مراتبی از اعتبار هستند؛ اما برای به کار بردن هر کدام به منزله تنها معیار به هنجار و نابهنجار محدودیت‌هایی وجود دارد؛ مبنای بهتر این است که به هنجاری و نابهنجاری در ابعاد زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی انسان در نظر گرفته شود و برای تعریف آن بیش از یک ملاک مورد استفاده قرار گیرد. توجه به ملاکات اخلاقی، قانونی، آرمانی و سازگاری با فطرت و هم‌چنین ملاک آسیب‌شناختی مورد توجه و تأکید اسلام است. (سالاری‌فر و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳۰)

هرچند از نظر روان‌شناسی آموختن مجموعه‌ای از مهارت‌های فردی شامل: رویارویی با شکست، افسردگی، طردشدگی، اضطراب، خشم، فقدان، سالمندی، درد و بیماری در برابر آسیب‌های روانی ضروری می‌باشد. (کریس کلینگ، ۱۳۸۷، ص ۶۳) در واقع سلامت روان یکپارچگی جنبه‌های شناختی عاطفی و ارتباطی فرد در تعامل با محیط است که به منظور کسب رشد متوازن و مثبت صورت می‌گیرد و هدف اصلی بهداشت روانی پیشگیری از وقوع ناراحتی‌ها و حفظ سلامت روانی به منظور ایجاد محیط فردی و اجتماعی سالم و مناسب و هم‌چنین درمان اختلال‌های روانی است. (خدایاری‌فرد، ۱۳۹۵، ص ۲۲)

بر این اساس می‌توان ادعا کرد خانواده اولین و مهم‌ترین مکان برای بهداشت روانی است. توجه به ارزش انسان، داشتن برنامه‌ریزی صحیح





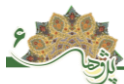
و هدفمند، توکل بر خدا، قناعت، کنترل خشم، امید، پرهیز از اندوه، مهربانی با خانواده، میانه‌روی در کارها، تفریح و شوخ‌طبعی در شمار امور کمک‌کننده به بهداشت روانی است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۱۷۴) از نظر اسلام بدون توجه به نیازها و آسیب‌های معنوی و اخلاقی نمی‌توان به ترسیم انسان کامل پرداخت. نهایت چیزی که از روان‌شناسی غرب در این حوزه می‌توان دریافت انسان سالم، زندگی سالم و به تعبیری شهروند خوب است. ولی برنامه تربیتی اسلام در جهت تکامل روحی و معنوی انسان و ارتقای سلامت او تا حد انسان کامل می‌باشد امری که قرآن کریم نمونه عینی آن را در وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) معرفی می‌نماید. «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنه» از این رو توجه به جایگاه مقدس خانواده در جهت ارتقای شخصیت و تکامل شخصیتی زوجین می‌تواند به نیل این مطلوب یاری رساند. از جمله پیش‌فرض‌های رسیدن به این امر تقویت روحیه انعطاف، مدارا و سازگاری میان زوجین می‌باشد، این امر در دو جهت آموزشی - مهارتی و بینشی قابل طرح است.

از نظر مهارتی؛ آموختن مهارت‌های پایه و پیشرفته برای زوجین مفید است. مهارت‌های پایه شامل گوش دادن فعال، ابراز احساسات و بیان خواسته‌های خود، تقویت متقابل و مهارت‌های پیشرفته هم‌چون، ارتباط سالم، تغییر تحریف‌های شناختی، مذاکره، حل مسأله، مدیریت خشم، پذیرش و تعهد می‌باشد. (متیو مک کی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵)

اما از جهت بعد بینشی؛ با توجه به رویکرد و نگاه دینی به تنظیم روابط زوجین می‌توان به مجموعه توصیه‌های دین مبنی بر اصول اخلاقی و حقوقی حاکم بر روابط زوجین سخن گفت. منابع اسلامی اعم از قرآن و کتب حدیثی- فقهی نظیر اصول کافی، وسائل الشیعه و بحارالانوار ضمن روایات متعدد در عرصه خانواده و روابط زوجین توصیه نموده‌اند.

راهکارهای هنجارسازی همراهی زن و شوهر

زندگی مشترک و ازدواج بهترین شیوه متداول و پذیرفته‌شده جوامع جهت تحقق اهداف خانواده است. از منظر دینی هدف از زندگی زناشویی رسیدن انسان به آرامش و به جهت وصول به غایات دنیوی و اخروی معرفی شده است. مجموعه آموزه‌های اسلام در حوزه خانواده و روابط زوجین نشان می‌دهد تقویت خانواده و تحقق کارکردهای آن به ویژه در ابعاد معنوی از اهداف اسلام در این زمینه است. تعیین حقوق و تکالیف در عرصه خانواده، و نظام‌مندی آن در تبیین حدود و ضوابط برای صیانت از حریم خانواده، در راستای این مسأله است. از این رو شناسایی عوامل نظام تحکیم خانواده برای حفظ آن و به سبب تقویت هر چه بهتر روابط درون‌خانوادگی از یک سو و شناخت آسیب‌های آن از سوی دیگر ضرورت دارد. به نظر می‌رسد بهترین شکل ثبات خانواده در صورتی محقق خواهد شد که هر یک از اعضا ملزم به انجام تکالیف فردی و ملاحظات حقوقی باشند، چرا که شروع



اختلاف و تعارضات زناشویی و نقطه آغازین آن از عدم شناخت و یا سلب مسئولیت از سوی هر یک از زوجین است. سه حالت زندگی زناشویی شامل صمیمیت، اختلاف و کناره‌گیری می‌باشد. زوجین همواره در یک حالت زندگی زناشویی به سر نمی‌برند چرا که همسری ممکن است آرامش، راحتی و صمیمیت را تخریب نموده و سبب ورود همسر دیگر به حالت اختلاف شود. این زمانی است که شکایت‌ها و مشاجرات آغاز شده و تعارض میان زوجین پدید می‌آید. در این حال هر دو همسر رفتار خودخواهانه را در پیش می‌گیرند شخصی که در حالت خشم و اختلاف است به مشاجره ادامه می‌دهد و همسر ناراحت نیز ممکن است تحریک شده تا او هم مشاجره نماید، در شکل دیگر ممکن است مشاجره‌کننده، تسلیم شده و او هم کناره‌گیری کند ولی مسأله در آن است که کناره‌گیری ممکن است در ظاهر صلح‌آمیزتر باشد اما به راحتی مخرب زندگی زناشویی است. بازگشت به حالت اختلاف علامتی است که زوجها هنوز امیدوار هستند که ازدواج‌شان ارزش دارد که برایش مبارزه کنند در این حالت آنان دفاع‌های عاطفی‌شان را کاهش داده و برای نزدیکی دوباره به یکدیگر خطر می‌کنند. (هارلی اف، ۱۳۸۸، ص ۵۵) در این حالت نیاز به سازگاری وجود دارد. یکی از راهکارهای سازگاری رویارویی با موقعیت تنش‌زا می‌باشد. رویارویی به تلاش‌های انسان برای کنترل موقعیت تنش‌زا گفته می‌شود. آموزش راهبردهای رویارویی که شامل ارزیابی اولیه و ثانویه است کمک شایانی به سازگاری می‌نماید. (کلینک، ۱۳۸۷، ص ۲۰) بنابراین



رویارویی با موقعیت می تواند به عنوان مقدمه ای برای سازگاری باشد. از این رو از نظر روان شناسی وجود اختلاف میان زوجین امری طبیعی به نظر می رسد و وجود در صدی از تعارضات در کنش تعاملی همسران امری محتمل و دور از انتظار نیست و همین مسأله خود می تواند زمینه برای سازگاری باشد. البته سازوکارهای این امر خود نیازمند مهارت های لازم است. این امر در آموزه های اسلامی نیز پذیرفته شده است. به کار بردن تعبیر خوف از نشوز (نساء: ۱۲۸) در مورد رفتار زن و شوهر در آیات قرآن دال بر این نکته است، اما آنچه به ناپایداری روابط زوجین منجر می شود توقف و اصرار بر رفتارهای تکرارشونده از سوی هر یک زوجین است. بهبودی تعامل در سایه بازگشت به روابط ثبات می باشد. ارتباطات تنها زمانی می تواند رشد کند که علایق ما و علایق دیگران به طور همزمان مورد توجه قرار گیرند. در این حالت هیچ کس آسیب نمی بیند و همه راضی و خوشحال خواهند بود در نتیجه سازگاری ایجاد می شود. تأکید منابع دینی بر عفو و گذشت و مدارا در جهت بازگشت به این چرخه می باشد. امام علی (ع) در این باره می فرماید: «سلامة العیش فی المداراة». (آمدی، حدیث ۵۶۰۷) با توجه به ترمیم سریع روابط زوجین به جهت ابعاد فطری آن (و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها و جعل بینکم مودة و رحمة) این امر به شکل آسان تری قابل فرض است. تعبیر به کار رفته در آیه شریفه با واژگان «موده» و «رحمة» گویای این مسأله است. مودت به معنای محبتی است که اثرش در مقام عمل ظاهر باشد و رحمت به معنای

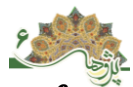


نوعی تأثیر نفسانی که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید. در نتیجه نسبت موده به رحمة نسبت خضوع است به خشوع. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۵۰) البته برخی تفاوت این دو واژه را به ابعاد دیگر روانی آن توسعه داده‌اند؛ بدین گونه که محبت مقطعی بوده اما مودت تمام‌نشده است. محبت تنها، خیانت هم دارد اما در مورد مودت خیانت وجود ندارد. محبت یکطرفه هم وجود دارد اما مودت دوطرفه است. در محبت تنوع‌گرایی هست اما در مودت تنوع‌گرایی نیست. محبت فقط در دل قرار دارد اما مودت هم در دل و هم زبان می‌باشد. (داوودی‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۲۲) از آن جا که بر اساس آموزه قرآن هدف از آفرینش همسران دستیابی به آرامش معرفی شده است، این هدف از دو جنبه دارای اهمیت است زیرا افزون بر مطلوبیت نفسی و ذاتی، دستیابی به دیگر اهداف خانواده نیز وابسته به آن است. سازوکار رسیدن به این امر نیز از طریق ارضای نیازهای عاطفی و نیازهای جنسی می‌باشد. (بستان، ۱۳۹۰، ص ۲۸) به جهت اهمیت تأمین نیازهای عاطفی در روایات متعدد بر آن تأکید شده است. چنانچه امام صادق (ع) دوستی زنان را از اخلاق انبیاء بر شمرده‌اند. (حرعاملی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۹) هم‌چنین در روایتی آن حضرت فرمود: «ما أظن رجلاً يزاد في الإيمان خيراً إلا ازداد حباً للنساء». گمان نمی‌کنم مردی ایمانش ارتقاء یابد مگر آن که محبت او نسبت به زنان افزون یابد. (همان) از سوی دیگر با توجه به



ابعاد روحی و عاطفی زن، روایات بر اهمیت توجه زن، به نیازهای عاطفی شوهر، تأکید نموده است. از حضرت علی (ع) نقل شده که فرمود: «خیر نساکم الخمس: الهیئه الّیّنه المواتیه الّتی اذا غضب زوجها لم تکتحل بغمض حتی یرضی و اذا غاب عنها زوجها» (همان، ص ۱۵) با توجه به مجموعه توصیه‌های روایات در این زمینه برخی قائل به شبه تبعیض جنسیتی از نظر ارضای نیازهای عاطفی بین مرد و زن شده‌اند. از نظر آنان زندگی خانوادگی درجه متفاوتی از رضایتمندی عاطفی را برای زنان و مردان به بار می‌آورد. این امر عمدتاً از سوی فمینیست‌ها طرح می‌شود. اما در پاسخ باید گفت، با توجه به آرامش‌بخشی بیش‌تر زنان تأکید به آنان بر توجه به نیازهای عاطفی بیش‌تر است. هم‌چنین با وجود تأکید اسلام بر لزوم احترام متقابل زن و شوهر برخی تعبیر متون دینی بر نامتقارن بودن این وظیفه در مورد زن و مرد دلالت دارد. این مسأله با طرح قوامیت مرد در حوزه روابط خانوادگی به شکل واضح‌تری نمود دارد. در روایتی از پیامبر (ص) نیز نقل شده که فرمودند: «لو امرت أحداً ان یسجد لأحد لامرت المرأة ان تسجد زوجها». (همان، ص ۱۱۵) روشن است که سجده برای غیر خداوند جایز نیست و چنین تعبیری صرفاً به غرض ترغیب زنان به حفظ احترام شوهران بیان شده است ولی همین‌که این تعبیر به زنان اختصاص دارد و در مورد احترام شوهران به همسران تعبیر مشابهی وارد نشده از نوعی تمایز جنسیتی حکایت دارد. بنابراین می‌توان این ادعا را مطرح کرد که در

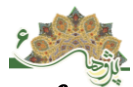




دیدگاه اسلام از نظر ارضای نیازهای عاطفی و تأمین سکون و آرامش زناشویی بین زن و مرد تفاوت در درجه وجود دارد نه تفاوت در نوع؛ یعنی هرچند زن و مرد به طور متقابل مایه آرامش و ارضای نیازهای عاطفی یکدیگرند ولی نقش زن در این زمینه برجسته‌تر است که این امر در پاره‌ای تفاوت‌های جسمی و روحی بین دو جنس ریشه دارد. (بستان، ۱۳۹۰، ص ۸۱) بنابراین با توجه به ابعاد طبیعی و فطری این مسئله بهتر است در ارایه راهکارهای اصلاحی به زوجین به این جنبه توجه داشت. به نظر می‌رسد از جمله بهترین راهکارها برای بازگشت به شرایط طبیعی باب گفت‌وگو میان زوجین باشد. امروزه کتب روان‌شناسی خانواده یکی از مشکلات اصلی زن و شوهر را عدم ارتباط کلامی به عنوان شروع حل تعارض می‌دانند به گونه‌ای که همسران به هنگام عدم توافق گفت‌وگو نمی‌کنند تنها به هر آنچه می‌توانند به دست آورند چنگ می‌زنند بدتر آن‌که آن‌ها اغلب کارهای خشمگین‌کننده و کینه‌توزانه انجام می‌دهند یا جملاتی می‌گویند که مشکل را غیرممکن می‌کند. در حالی که گفت‌وگو جهت رسیدن به توافق بهترین راه حل است. در حقیقت زوجین از طریق گفت‌وگوی افکار و احساسات یکدیگر را بهتر درک نموده و نیازهای یکدیگر را به گونه‌ای مؤثرتر برطرف می‌نمایند. در واقع از طریق گفت‌وگو به طور دقیق می‌توان فهمید چه چیزهایی برای همسر ارزش دارد. (هارلی اف، ۱۳۸۸، ص ۷۹) البته در این باره نباید از راهکارهای عملی غفلت نمود. راهکاری نظیر گفت‌وگو که شامل توجه به انتخاب زمان مناسب، مکان

مناسب، احترام هنگام مذاکره و حسن نیت است، می‌تواند به عنوان روشی در جهت ایجاد تفاهم و سازگاری بهتر زوجین در تعارضات مفید باشد. هم‌چنین هنگام گفت‌وگو باید از زخم زبان، تحقیر، تمسخر، کنایه، مقایسه و طرح دلخوری‌های قبلی پرهیز نمود. (حیدری، ۱۳۹۴، ص ۵۰) از این رو آموزش و یادگیری مهارت رویارویی، کنترل موقعیت‌های گوناگون، ارتباط مؤثر میان زوجین ضروری است. (کلینک، ۱۳۸۷، ص ۴۳) از سوی دیگر توجه به تفاوت‌های زن و مرد در بعد جسمی، روحی و روانی گام دیگری در شناخت شیوهٔ هنجارسازی است. خداوند بر اساس حکمت دو موجود با ویژگی‌های تکوینی متفاوت خلق نموده است. زن و مرد بر اساس یافته‌های روان‌پزشکی و فیزیولوژیکی در بسیاری از ابعاد جسمی و روحی با هم متفاوت هستند. به طور کلی قدرت بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و درد در زن بالاتر است. هم‌چنین قدرت تفکر زن و مرد نیز بر اساس جنسیت متفاوت است. تفکر ابتدایی در زن نسبت به مرد قوی‌تر است؛ یعنی حرف زدن و جواب دادن در جنس مؤنث قوی‌تر از مرد است ولی تفکر انتزاعی یعنی قدرت بیرون کشیدن معنا از یک موقعیت در مرد قوی‌تر می‌باشد. زنان در مسایل جزئی‌نگر هستند، در حالی که قدرت حل مسأله در مردان قوی‌تر است چون کلی‌نگر هستند و درگیر جزئیات نیستند به گونه‌ای که مردان در تفکر منطقی فیلسوفانه‌تر از زنان فکر می‌کنند و هوش ریاضی و فضایی آنان قوی‌تر است. (داوودی‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۱۹۵) در جهات رفتاری نیز در حالی که





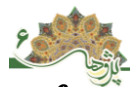
بیشتر مردان ارتباط جنسی را لذت بخش می‌دانند بیش‌تر زنان از گفت‌وگو لذت می‌برند زیرا گفت‌وگو را دوست دارند. مردان اغلب گفت‌وگو را به عنوان راه حل نهایی می‌دانند در حالی که زنان از گفت‌وگو لذت می‌برند و از این راه توجه‌شان را به دیگری انتقال می‌دهند. بر اساس یافته‌های روان‌شناسی ده نیاز عاطفی مهم اغلب مردان چنین است: ارضای جنسی، همراهی در تفریحات، جذابیت جسمانی همسر، حمایت خانوادگی و تحسین. در این بین نیاز جنسی برای مردان از دیگر ابعاد طبیعی روابط زوجین قوی‌تر است به گونه‌ای که سازگاری جنسی علامتی معمول از ازدواج خوب است. ویلیارد هارلی اف روان‌شناس خانواده در این زمینه می‌گوید: من به ندرت با زوجی برخورد می‌کنم که در جست‌وجوی جدایی باشند در حالی که ارتباط جنسی خوبی دارند به هنگام وجود مشکل در هر ازدواجی ارتباط جنسی از اولین جنبه‌هایی است که به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اما داشتن ارتباط عالی همیشه به داشتن ارتباط جنسی فوق‌العاده ختم نمی‌شود زوج‌های زیادی هستند که به شدت عاشق یکدیگرند اما ارتباط جنسی موفق ندارند و اغلب مشکل‌شان در مورد ارتباط جنسی نادیده گرفته می‌شود. (هارلی اف، ۱۳۹۵، ص ۷۸) علاوه بر تفاوت‌های فوق دسته دیگری از تفاوت‌ها وجود دارند که ناشی از یک فرایند تربیتی دراز مدت است که معمولاً در ساختار شخصیتی انسان تثبیت شده‌اند و بخشی از شخصیت روانی و جسمی را تشکیل می‌دهند به عنوان مثال زندگی در یک منطقه جغرافیایی ویژه، و یا

کشور و فرهنگ دینی و غیردینی در جسم و روان دگرگونی‌هایی به وجود می‌آورد. از این رو در اسلام در مورد گزینش همسر، آموزش‌ها و راهکارهای مهمی عرضه شده است که می‌تواند از پیدایش اختلافات پیشگیری کند. بررسی ویژگی‌های روانی و شخصیتی، در گزینش همسر در همین راستا می‌باشد. (معاونت پژوهش گروه روان‌شناسی، ج ۲، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴) بر اساس پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه، میان جهت‌گیری مذهبی و رضامندی زناشویی، رابطه مستقیم وجود دارد. دلیل این امر آن است که مذهب با آرایه یک چارچوب جامع برای تفسیر وقایع و دادن پاسخ‌های مشخص، تفسیری همه‌جانبه از حیات انسانی ارائه می‌دهد. در واقع مذهب نوعی احساس کنترل و کارآمدی به افراد می‌بخشد. بنابراین سبب امیدواری و خوش‌بینی افراد می‌گردد این خوش‌بینی شامل جهان خلقت، انسان‌های دیگر و نیز همسر می‌شود. فرد مذهبی به زندگی زناشویی و همسر خود خوش‌بین است. محاسن او را ارج می‌نهد و معایب او را نادیده می‌گیرد. این امر رضامندی فرد را از ازدواج و نیز استحکام خانواده را در پی دارد. از سوی دیگر برخی آثار ایمان نظیر، توکل، صبر و رضا به قضای الهی در رضایت از زندگی زناشویی تأثیر فراوان دارد. باور به زندگی پس از مرگ نیز نقش بازدارنده از صفات اخلاقی بد مانند پرخاشگری کلامی و عملی دارد. (حیدری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۶) بررسی‌های انجام‌شده در غرب نیز وجود این رابطه مثبت را تأیید می‌کند. بررسی گلن (gleen) و ویور (weaver) نشان داد میان انجام اعمال مذهبی از جمله رفتن به



کلیسا، بیش از دیگر متغیرهای مورد بررسی رضامندی از ازدواج، رابطه وجود دارد. هم‌چنین اسپراوسکی (sproawski) هاوکستون (houghston) نیز نشان دادند افرادی که برای مدت طولانی با هم زندگی کرده بودند مذهب را به عنوان مهم‌ترین عامل رضامندی تلقی کرده‌اند. (همان، ص ۳۴)

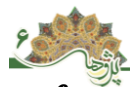
از جمله دیگر عوامل هنجارسازی روحیه سازگاری، تقویت تفکر مثبت‌اندیشی میان زوجین است که با حسن ظن و خوش‌بینی مرادف می‌باشد. مثبت‌اندیشی عبارت است از توجه به جنبه‌های مثبت زندگی و تمرکز بر ویژگی‌ها، اعمال، گفتار و افکار مثبت دیگران، ارایه تفسیرهای مثبت از آن‌ها و انتظار نتایج خوشایند است. آثار مثبت‌اندیشی شامل: داشتن روابط رضایت‌بخش درون خانوادگی، درک حمایت بیش‌تر از سوی همسر، رضایت زناشویی، مقابله مؤثر با رویدادهای تنش‌زا در خانواده، توجه به ویژگی‌های مثبت افراد خانواده، توجه مثبت به امکانات موجود، تفسیر مثبت رفتارهای افراد و سلامت روانی اعضای خانواده می‌باشد. (نوری، فصلنامه‌ی راه تربیت، ۱۳۸۸، ص ۷۴) از دیگر راهکارهای ایجاد سازگاری، آموزش زندگی عفیفا و تربیت اخلاق جنسی زوجین است. این امر در آموزه‌های دینی، هم از نظر حقوقی و هم اخلاقی مورد تأکید فراوان واقع شده است. اصلاح روابط جنسی در گرو رفتار عفیفا و عفت است. در روایت واردشده، هیچ بنده‌ای به زینتی آراسته‌تر از عفاف در دین و عفت و در روابط جنسی آراسته نشده است. (نهج‌الفصاحه، ص ۶۹۲) و نیز آمده هیچ مردی با زن



نامحرم خلوت نمی‌کند جز آن‌که سومی آنان شیطان است. (همان، ص ۲۴۶، ج ۴۷۸) از سوی دیگر بر لزوم غیرت‌ورزی مردان در خانواده تأکید شده به گونه‌ای که غیرت از نشانه‌های ایمان و بی‌بند و باری از نفاق شمرده شده است. (همان، ص ۵۸۷) هم‌چنین پیامبر اکرم (ص) در روایتی می‌فرماید: پدرم ابراهیم غیور بود و من از وی غیرتمندترم و خداوند مردان مؤمنی را که غیرت نمی‌ورزند به زمین خواهد زد. (حرعاملی، بی‌تا، ج ۲۰، ص ۱۵۴)

از جمله عوامل دیگر در اصلاح رابطه جنسی ترغیب به ازدواج است. در این زمینه رهبانیت جنسی مورد انتقاد قرار گرفته است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هر کس مایل است بر فطرت من باشد باید از سنت من پیروی کند و یکی از سنت‌های من آمیزش با همسران است. (همان، ص ۱۰۶) در برخی موارد روایات برای این عمل اجر و پاداش معرفی می‌نمایند؛ چنان‌که رسول خدا (ص) به ابوذر فرمود: با همسرت در آمیز تا مأجور باشی. گفت یا رسول‌الله آیا ارتباط جنسی با همسر سبب پاداش خواهد شد؟ فرمود: همان‌گونه که اگر به حرام مبتلا شوی مجازات می‌گردد اگر به حلال روی آوری اجر خواهی داشت. (همان) آموزه‌های دینی هیچ‌گاه ریاضت جنسی را تأیید نکرده و تقابل میان جسم و روح را برنمی‌تابد. در واقع سیاست جنسی اسلام بر محدود کردن ارتباط جنسی به حریم رابط زناشویی است. (حق‌شناس، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳) از آن‌جا که تحکیم خانواده مبتنی بر انجام نقش‌های جنسی و جنسیتی هر یک از زن و شوهر است تمکین جنسی به عنوان یکی از



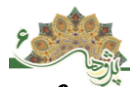


مهم‌ترین عوامل استحکام خانواده، مورد تأکید است. نظر به اهمیت این امر در بعد تقویت و استحکام خانواده، اسلام در زمینه حقوق خانواده به تعریف نقش‌ها و وظایف هر یک از زن و شوهر پرداخته و در بخش تکالیف حقوقی زن به جنبه‌های الزامی آن یعنی تمکین اشاره نموده است. بر این اساس درک تمایز حقوقی اسلام بین زن و مرد در زمینه وظایف جنسی آسان می‌شود بر این اساس می‌توان از ادعای هماهنگی این جهت‌گیری با مبادی فطری و طبیعی دفاع کرد. (بستان، ۱۳۹۰، ص ۸۷) این امر از نظر روان‌شناسی نیز ثابت شده به گونه‌ای که نیاز جنسی اولین اولویت مردان در روابط زناشویی است. در واقع نیاز ارتباط جنسی شبیه نیاز به آب است. اگر شوهر به این موضوع تأکید داشته باشد و همسر با نارضایتی نیاز جنسی همسر را برطرف نماید هر دوی آن‌ها احساس آزرده‌گی می‌کنند؛ شوهر احساس فریب‌خوردگی و زن احساس مصرفی بودن. بنابراین گرایش جنسی بسیاری از افراد به ویژه مردان یکی از قوی‌ترین علایق آنان است و در زندگی زناشویی ارضا نشدن این نیاز می‌تواند علت و اساس آزارها و ناکامی‌های بسیاری باشد در حالی که بالاترین اولویت زنان نیازهای عاطفی آنان، شامل محبت، گفت‌وگو، صداقت، حمایت مالی و تعهد خانوادگی است. (هارلی اف، ۱۳۸۸، ص ۲۸۲) از آن‌جا که نیاز هیجانی به محبت در زنان فراوان است جهت سازگاری هر چه بیشتر زوجین توجه به نیازهای عاطفی زنان مورد تأکید است. به طور کلی در خانواده تلفیقی از دو عشق وجود دارد؛ عشق رمانتیک (احساس شدید محبت نسبت به

دیگری) و عشق مراقبتی (برطرف کردن نیازهای طرف مقابل و شاد کردن او). البته تأکید بیش‌تر بر عشق مراقبتی وجود دارد زیرا پایدارتر است. ظهور و بروز عشق مراقبتی در زنان و مردان به دلیل تفاوت‌های طبیعی آنان متفاوت است. مثلاً مردان اغلب برای ابراز عشق‌شان به جای بیان نشانه‌های ساده مانند ابزار کلامی، محبت یا نوازش، اعمال خاصی انجام می‌دهند؛ به عنوان نمونه شوهری که ساعات طولانی اضافه‌کاری می‌کند تا همسرش را به مسافرت ببرد اما هرگز به او نگوید عاشق تو هستم او بیان عشق را در عمل مهم‌تر از کلام می‌داند هرچند نباید از تمرین و آموزش مهارت‌های ارتباط کلامی زوجین در این باب غفلت نمود. شاید روایت پیامبر (ص) در این زمینه که به مردان توصیه می‌نماید محبت را کلامی نمایند ناظر به این بخش باشد: «قول الرجل للمرأة انی احبک لا یذهب من قلبها ابداً» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۶۹) بر اساس آموزه‌های قرآنی همسران باید همدیگر را دوست داشته باشند. «جعل بینکم مودة ورحمة» عشق جاری کردن محبت بر زبان است. تردیدی نیست که ارتباط درست کلامی و مناسب، بیش‌ترین تأثیر را در ایجاد محبت دارد. شیوه‌های ارتباطات کلامی دارای تنوع و مصادیقی مانند: سلام کردن، خداحافظی، نحوه صدا زدن مؤدبانه و محبت‌آمیز، سخن گفتن، پاسخ منطقی به عیب‌جویی دیگران، اظهار تشکر، روحیه دادن در مشکلات، صبر و شکیبایی، عذرخواهی و عذرپذیری، شنونده خوب بودن و ... می‌باشد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، صص ۱۸۸-



۱۷۴) ویژگی‌های اخلاقی هم‌چون اخلاص، مثبت‌اندیشی و حسن خلق در کنار جلوه‌های رفتاری آن نظیر: احترام و تکریم متقابل، ادب، سلام کردن، استقبال یا بدرقه همسر، گذشت، کاهش توقعات، توجه به اصل مشورت، کمک در امورات منزل، حفظ اسرار و عیوب همسر، عمل به وعده‌ها، هدیه دادن و ... از زمینه‌های ایجاد سازگاری هستند. در مقابل ویژگی‌هایی چون: خشونت و تندخویی، آزار جسمی و زبانی همسر، دشنام و استهزاء، سرزنش و منازعات لفظی از عوامل مخرب روابط همسران می‌باشد. (حیدری، ۱۳۸۵، صص ۱۰۰-۱۳۰) به این جهت ارتقای تعامل مثبت و سازنده در میان زوجین با تأکید بر ابعاد اخلاقی سبب ایجاد کش مثبت و پایداری روابط می‌گردد. به طور کلی مجموعه آموزه‌های دینی چه در حوزه عمل و چه در حوزه اخلاق فردی، شکل مطلوبی از شخصیت انسان را رقم می‌زند. از نظر قرآن کریم تکامل شخصیت انسان و سالم‌سازی آن در گرو عمل به دستورات دینی می‌باشد و هدف متعالی اسلام رسیدن به مرتبه تقوا است. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (بقره: ۲۱) سازوکارهای رسیدن به این هدف از طریق تخلّق به اخلاق حسنه و الزام به رفتارهای تعریف‌شده شریعت می‌باشد. از آن‌جا که از نظر اسلام ازدواج بخشی از حلقه تکامل شخصیت انسان است لذا توجه به تقویت ویژگی‌های اخلاقی مثبت، تأثیر فراوان در شکل‌دهی صحیح رفتارهای زوجین و در نهایت سازگاری آنان خواهد داشت. در روایات اسلامی نیز یکی از جنبه‌های سلامت انسان سلامت



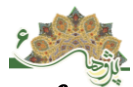
اخلاقی معرفی شده است: «انَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَاناً أَحْسَنَهُمْ خُلُقاً» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۷۳) از نظر روان‌شناسی اسلامی نیز یکی از مؤلفه‌های مهم سلامت اخلاقی و بهداشت روان ارتباط مناسب با دیگران است. روابط اجتماعی مناسب جز از راه رفتارها و صفات اخلاقی امکان‌پذیر نمی‌باشد. برخورداری از حسن خلق و معاشرت زمینه مناسبی می‌طلبد و ویژگی‌های اخلاقی خوب همانند تواضع، سخاوت و خیرخواهی برای مردم زمینه این امر را فراهم می‌کنند. (سالاری‌فر، ۱۳۹۳، ص ۲۱۳) در حوزه روابط زوجین نیز از جمله رفتارهای اخلاقی مؤثر در سازگاری زوجین حسن خلق می‌باشد. در روایتی از امام رضا(ع) در مورد سؤال شخصی که درباره ازدواج با فرد بد اخلاق پرسیده بود فرمودند: «لَا تَزُوجْهُ اِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ». (حرعاملی، بی تا، ج ۱۴، ص ۵۴) هم‌چنین در روایتی دیگر زنی برای همسری مناسب است که به نیکوکاری و خوش خلقی شناخته شده باشد. (همان، ص ۱۴) قرآن کریم نیز بر اخلاق در روابط زناشویی تأکید نموده است. «عاشروهن بالمعروف» علامه طباطبایی در المیزان واژه معروف را به معنای هر امری که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند، بیان نموده و می‌فرماید: «چون دستور به معاشرت با زنان را مقید به معروف نموده قهراً معاشرتی مراد است که در بین مسلمانان معروف باشد.» (طباطبایی، ج ۴، ص ۴۰۴) در متون دینی برخی مصادیق برای معاشرت معروف شمرده شده است از جمله: تأمین



شرایط اقتصادی، برآورده ساختن نیاز عاطفی، احترام و بزرگ داشتن زن، مصاحبت نیکو با او، مدارا و مسامحه در موارد اختلاف، عفو و گذشت نسبت به رفتارهای نامناسب زن در خانواده و همچنین توجه به امانت بودن زنان نزد مردان، اشاره به قدرت بدنی کم‌تر آنان نسبت به مردان، انجام تشویق مردان به رفتار مناسب با همسر که سبب خوشی زندگی و طولانی شدن عمر و افزایش شخصیت اجتماعی رفتار می‌گردد. (سالاری‌فر، ۱۳۹۴، ص ۵۹) بنابراین هرچند تعیین مصداق روشن برای این امر اندکی دشوار باشد اما در این باره می‌توان به انواع ارتباط کلامی و رفتاری مثبت میان زوجین که معهود و مورد پذیرش عرف باشد اشاره کرد. از نظر حقوقی نیز در بخش تکالیف زن و مرد آنچه تحت عنوان تمکین عام و معاشرت نیکو از آن یاد می‌شود در رابطه با همین مسأله است.

نتیجه‌گیری

خانواده رکن اساسی و منشاء رشد و بالندگی هر جامعه است و تداوم آن در گرو رابطه مثبت میان اعضا به ویژه همسران است. از جمله عوامل مهم استحکام و بقای خانواده وجود سازگاری میان زوجین است. سازگاری عبارت است از وجود تعامل مثبت در انسان، در جهت ایجاد تغییرات مطلوب و رسیدن به تفاهم. بنابراین سازگاری را می‌توان به هماهنگی فرد با دیگران در برقراری رابطه‌ای منطقی برای

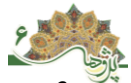


اهداف فردی و اجتماعی دانست. رسیدن به این امر نیازمند رعایت اندیشه‌ها و رفتارهایی در عمل است که از آن به هنجار یاد می‌شود. اهمیت هنجارسازی در حوزه روابط خانوادگی با توجه به ارتباط گسترده و عمیق زوجین دو چندان است و زن و شوهر به عنوان دو رکن بی‌بدیل در این مجموعه نیازمند توجه بر امور ارزشی هستند. تعاملات رفتاری درست میان زوجین به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر اجتماع تأثیرگذار است و آن‌گاه می‌توان از جامعه سالم سخن به میان آورد که ارکان خانواده یعنی زن و شوهر و محصول خانواده یعنی فرزندان برخی هنجارهای فردی و اجتماعی را در خود نهادینه کرده باشند. مؤلفه اصلی در وصول به این هدف را باید در همراهی زوجین دانست امری که در متون دینی از آن به سازگاری در جهت رسیدن تفاهم یاد می‌شود. از آن‌جا که خانواده برای رسیدن به اهداف و کارکردهای خویش نیازمند تفاهم زوجین است، در این زمینه علاوه بر شناسایی برخی ویژگی‌های تکوینی زن و مرد، ضرورت دارد راهکارهای هنجارسازی تبیین شود. این راهکارها با توجه به نقش‌های جنسیتی شامل: تأمین نیازهای جنسی و عاطفی، دینداری، تقویت تفکر مثبت‌اندیشی، حسن خلق و اخلاق‌مداری است.



فهرست منابع

۱. احمدی، اصغر (۱۳۸۴)، روان‌شناسی روابط درون خانواده، انتشارات مهدی رضایی.
۲. اسماعیلی، زهره؛ غلامرضایی، حمیدرضا (۱۳۸۸)، معجزه محبت، نسل نواندیش، چاپ نهم.
۳. بستان، حسین (۱۳۹۳)، خانواده در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
۴. تری یان‌دیس، هری (۱۳۸۸)، فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فتی، تهران: نشر رسانش، چاپ سوم.
۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴)، سیمای نظام خانواده در اسلام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا)، وسائل الشیعه، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۷. حیدری، مجتبی (۱۳۹۴)، هوای فاصله سرد است، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره). چاپ دوم.
۸. حیدری، مجتبی (۱۳۹۶)، خانواده، عشق، اخلاق، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).
۹. حیدری، مجتبی (۱۳۸۵)، دینداری و رضامندی خانوادگی، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی (ره).
۱۰. حق‌شناس، جعفر (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی خانواده، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، چاپ اول.



۱۱. خدایاری فرد، محمد (۱۳۹۵)، آسیب‌شناسی روانی کودک و نوجوان، تهران: انتشارات دانشگاه، چاپ اول.
۱۲. داورپناه، محمدرضا (۱۳۷۹)، فرهنگ جامع علوم تربیتی، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
۱۳. داوودی‌نژاد، مسلم (۱۳۹۲)، رازهای تسخیر قلب همسر، قم: مهر دلدار، چاپ دوم.
۱۴. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۲)، درآمدی بر فمینیسم، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان چاپ اول.
۱۵. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۳)، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۴)، درآمدی بر نظام خانواده در اسلام، قم: نشر هاجر.
۱۷. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۸)، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، قم: چاپ سبحان.
۱۸. سویزی، مهری (۱۳۸۶)، خانواده کارآمد و متعالی، تهران: نیستان.
۱۹. شلسینگر، لارا (۱۳۹۱)، قدرت زن، نشر ثالث، چاپ دوم.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۱. عسگری، حسین (۱۳۹۰)، نقش بهداشت روان در ازدواج زندگی زناشویی و طلاق، تهران: انتشارات گفتگو.
۲۲. فرمehنی‌فراهانی، محسن (۱۳۷۸)، فرهنگ توصیفی علوم اجتماعی، اسرار دانش.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸)، اصول کافی، تهران: دارالکتب.



۲۴. کلینک، کریس ال (۱۳۸۷)، مهارت‌های زندگی، ترجمه علی محمد گودرزی، مؤسسه رسا، چاپ دوم.
۲۵. گولد، جولیوس (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: انتشارات مازیار، چاپ اول.
۲۶. گاتمن، جان و سیلورنان (۱۳۹۳)، هفت اصل اخلاقی تربیتی برای موفقیت در ازدواج، ترجمه مهدی قراه‌چه‌داغی، نشر آسیه، چاپ چهارم.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دار الوفاء اسلامیه.
۲۸. معاونت پژوهش گروه روان‌شناسی (۱۳۸۸)، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۹. مک‌گرا، فیلیپ (۱۳۹۲)، روان‌شناسی خانواده موفق، ترجمه محمد مهدی شریعت‌باقری، تهران: دانژه، چاپ هفتم.
۳۰. ملکی، حسن (۱۳۸۷)، با مشکلات همسر چه کنم، انتشارات پیام‌رسان، چاپ اول.
۳۱. نیلی‌پور (۱۳۹۲)، مدیریت خانواده، تهران: مرغ سلیمان.
۳۲. هارلی اف، ویلیارد (۱۳۸۸)، راز سازگاری در زندگی زناشویی، ترجمه شمس‌الدین حسینی و الهام آرام‌نیا، تهران: نسل نواندیش، چاپ اول.

